

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>

## 📖 « قواعد درس ششم » : « ترجمه الفعل المضارع ( ۲ ) »

**مقدمه درس :** در درس قبل با فعل **مضارع التزامی** ( حروف ناصبه بر سر مضارع منصوب ) آشنا شدیم.

اکنون در این درس با حروف دیگری آشنا شویم که بر سر مضارع معمولی می آیند و تغییراتی را در ترجمه ی آنها و همچنین در آخر این افعال ایجاد می کنند.

اگر حروفی مانند « **لَمْ - لا ( نهی ) - لَ** » ( **حروف جازمه** ) بر سر فعل مضارع بیایند تغییراتی را در آخر فعل مضارع ایجاد می کنند، که عبارتند از :

۱) صیغه هایی که به حرکت « **ضمه** » ختم می شوند، « **ساکن** » می پذیرند. ( صیغه های ؛ ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ )

مثال : لَمْ + يَكْتَسِبُ / لَمْ يَكْتَسِبْ / لَمْ تَكْتَسِبْ / لَمْ أَكْتَسِبْ / لَمْ نَكْتَسِبْ.

۲) مابقی صیغه ها که به حرف « **ن** » ختم می شوند ( صیغه های ؛ ۲ و ۳ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ )، « **نون آخرشان** » حذف می شود ( به جز دو صیغه ۶ و ۱۲ )

که هیچ تغییری در ظاهرشان ایجاد نمی شود. مثال :

لَمْ + يَكْتَسِبَانِ / لَمْ يَكْتَسِبَا / لَمْ تَكْتَسِبَا / لَمْ أَكْتَسِبَا / لَمْ نَكْتَسِبَا .  
لَمْ + يَكْتَسِبِينَ / لَمْ يَكْتَسِبِيَنَّ / لَمْ تَكْتَسِبِيَنَّ / لَمْ أَكْتَسِبِيَنَّ ( ۶ و ۱۲ )

### ◆ ( ۱ ) نکات مربوط به « حرف لَمْ » [ حرف جازمه ] :

۱- حرف « **لَمْ** » معنای فعل مضارع را به « **ماضی منفی ساده** یا **ماضی نقلی منفی** » تبدیل می کند.

مثال : - لَمْ يَكْتَسِبُوا : به دست نیاوردند / به دست نیاورده اند  
- لَمْ تَكْتَسِبِي : نوشتی / نوشته ای

۲- حرف « **لَمْ** » را با حرف « **لِمَ** » ( مخفف « **لِمَاذَا ؛ برای چه ؟** » ) اشتباه نکنیم. با این توضیح که « **لِمَ** » هیچ تغییری در آخر فعل به وجود نمی آورد.

مثال : لَمْ يَكْرِمْ / لَمْ يَكْرِمُوا / لَمْ تَكْرِمُوا ( باعث تغییراتی در فعل شده است )  
- لَمْ يَكْرِمْ / لَمْ يَكْرِمُونَ / لَمْ تَكْرِمَانِ ( بدون تغییر )

### ◆ ( ۲ ) نکات مربوط به « حرف لا ( نهی ) » [ حرف جازمه ] :

۱- برای باز داشتن شخصی از انجام کاری به کار می رود.

۲- حرف « **لا** » ( **نهی** ) بر سر ۶ صیغه ی مخاطب معنای « **امر منفی** » می دهد. مثال :

- لا تَتَكَلَّمُوا : سخن نگوئید // لا تَتَحَرَّكِي : حرکت نکن.

۳- و بر سر ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم به صورت « **نباید + مضارع التزامی** » ترجمه می شود. مثال :

- لا يَتَكَلَّمُوا : نباید سخن بگویند // لا تَتَحَرَّكُ : نباید حرکت کنیم. ( لای نهی بر سر صیغه های غائب و متکلم )

۴- حرف « **لا نهی** » را با حرف « **لا نفی** » اشتباه نکنیم. مثال :

- لا يَكْتُبُ : نباید بنویسد / لا تَكْتُبِي : ننویس / لا نَكْتُبُ : نباید بنویسیم ( لای نهی بر سر فعلها )

- لا يَكْتُبُ : نمی نویسد / لا تَكْتُبِينَ : نمی نویسی / لا نَكْتُبُ : نمی نویسیم ( لای نفی بر سر فعلها )

### انواع « لا » :

۱) « **لای نفی** » : بر سر فعل مضارع می آید و هیچ تغییری در آخر فعل ایجاد نمی کند و فعل به صورت « **مضارع اخباری منفی** » ترجمه می شود.

( حرف « **لای نفی** » غیر عامل می باشد ) مثال : - هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ... : آنها یاد نمی گیرند ...  
- لَا تَعْلَمُونَ ... : شما نمی دانید ...

۲) « **لای نهی** » : بر سر فعل مضارع می آید و تغییراتی بیان شده را ایجاد می کند. ( مجزوم می کند ) و معنای فعل به « **امر منفی** » تبدیل می شود.

( حرف « **لای نهی** » عامل جزم می باشد ) مثال : - لَا تَطْلُبُوا ... : طلب نکنید ...  
- أَنْتَ لَا تَتَكَاَسَلِي : تو تنبلی نکن

☑ همانطور که بیان شد « **لای نهی** » بر سر صیغه های غائب و متکلم به صورت « **نباید + مضارع التزامی** » معنا می شود. - لَا يَتَكَاَسَلُوا : نباید تنبلی کنند.

◆ (۳) نکات مربوط به « حرف لـ » [ حرف جازمه ] :

۱- این حرف بر سر « ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم » می آید.

۲- معنای فعل مضارع را به « باید + مضارع التزامی ( مؤکد ) » تبدیل می کند. مثال :

- لِيَعْلَمَ كُلُّ انْسَانٍ ... : هر انسانی باید بداند ...  
- لِنَطْلُبُ جَمِيعًا ... : همی ما باید بدانیم ...

انواع « لـ » :

۱) « لـ جازه » ( لام جازه ) : این حرف بر سر اسمها می آید که به اسم بعد از « مجرور به حرف جرّ » گفته می شود.

( لازم به ذکر است که تمامی مصادر ( اعم از مجرد و مزید ) « اسم » می باشند و اگر حرف « لـ جازه » بر سر آنها بیاید، « مجرور به حرف جرّ » می شوند )

مثال : اِشْتَرَيْتُ كِتَابًا لِصَدِيقِي : کتابی را برای دوستم خریدم. ( لـ + صَدِيقِي ← صَدِيق : مجرور بحرف جرّ )

۲) « لـ ناصبه » ( لام ناصبه ) ( در درس قبل توضیح داده شد )

۳) « لـ جازمه » ( لام جازمه ) ( در کادر شماره (۳) توضیح داده شد )

چند راه مهم برای تشخیص « لـ ناصبه » از « لـ جازمه » :

۱) از طریق ترجمه فعل : « لـ ناصبه » به صورت « تا - تا اینکه - برای اینکه + مضارع التزامی » ترجمه می شود.

ولی « لـ جازمه » به صورت « باید + مضارع التزامی ( مؤکد ) » ترجمه می شود.

۲) « لـ ناصبه » بر سر « ۱۴ صیغه » فعل مضارع می آید، ولی « لـ جازمه » بر سر « ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم » می آید.

← ← به این معناست که اگر « حرف لـ » بر سر ۶ صیغه مخاطب بیاید قطعاً « لـ ناصبه » می باشد. - لَتَكْتُبُوا : تا اینکه بنویسید ( لـ ناصبه )

مثال : بُعِثَ النَّبِيُّ لِيَهْدِيَ النَّاسَ : پیامبر فرستاده شد تا مردم را هدایت کند. - الْمُسْلِمُونَ لِيَتَّحِدُوا فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ : مسلمانان باید در همه حال متحد شوند.

۳) « لـ ناصبه » غالباً داخل جمله می آید و وابسته به فعل دیگری است. ( علّت وقوع فعل دیگری می باشد )

ولی « لـ جازمه » غالباً شروع کننده و تک فعل جمله بوده و به فعل دیگری وابسته نیست. ( علّت وقوع فعل دیگری نمی باشد )

- هُوَ ذَهَبَ إِلَى السُّوقِ لِيَشْتَرِيَ الْفَاكْهَةَ : او به بازار رفت تا میوه بخرد. - الطَّلَابُ لِيُطَالِعُوا دَرُوسَهُمْ : دانش آموزان باید دروسشان را مطالعه کنند.

( اگر بخواهیم « لـ ناصبه » را ابتدای جمله بیاوریم ، غالباً ادامه ی جمله یک فعل ماضی می آوریم ) مثال :

- لِأُدْرَسَ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ : برای اینکه زبان عربی را تدریس کنم، به مدرسه رفتم.

📖 نکات ویژه ی درس : ↓↓↓↓↓

📌 نکته ۱ : اگر حروفی مانند « و - ف - ثَمَّ - وَلَكِنْ » قبل از « لـ جازمه » بیاید ، حرکت آن ( لـ جازمه ) ساکن می شود. مثال :

- ف + لِيَعْبُدُوا ← فليعبدوا ( پس باید عبادت کنند )  
- ف + لِنَتَأَمَّلُ ← فلنتأمل ( پس باید تأمل کنیم )

📌 نکته ۲ : اگر آخر فعلی ساکن بود ( للغائبه ماضی ) یا ساکن شد ( صیغه های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ ) و بعد از آن یک « اسم ال دار » آمده بود ،

حرکت « ساکن ( ـُ ) » از آخر فعل حذف شده و به جای آن « کسره ی عارضی ـِ » می گیرد. مثال :

۱) ساکن باشد : - ذَهَبْتُ + الطَّالِبَةُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ = ذَهَبْتُ الطَّالِبَةُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ( کسره در « ذَهَبْتُ » عارضی می باشد )

۲) ساکن بشود : - لا تَطْلُبُ + السِّيئَاتِ أَبَدًا = لا تَطْلُبُ السِّيئَاتِ أَبَدًا ( کسره در « لا تَطْلُبُ » عارضی می باشد )

نکته ۳ □ : اگر « حرف لـ » بر سر ضمایر متصل ( لَ - هُمَا - هُمْ - هَا - هُنَّ - هُنَّ - ... - نَا ) [ به جز ضمیر « ی » ] بیاید،



لـ + ی = لی

لـ + هُنَّ = لهنَّ

لـ + نا = لنا

لـ + كُمْ = لكم

حرکت « لـ » با « فتحه ـ » خوانده می‌شود. مثال :

نکته ۴ □ : با معانی حرف « لـ » در عبارات مختلف آشنا شویم :

الف) حرف « لـ » بر سر اسم :

۱) « حرف لـ » به معنای « مال - از آن » [ حرف جرّ « لـ + اسم » ] :

- لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ : این ماشین مال کیست ؟

۲) « حرف لـ » به معنای « برای » [ حرف جرّ « لـ + اسم » ] :

- خَرَجَ الرَّجُلُ لِكَسْبِ الرِّزْقِ لِأُسْرَتِهِ : مرد برای کسب روزی برای خانواده‌اش خارج شد.

۳) « حرف لـ » به معنای « داشتن » [ حرف جرّ « لـ + ضمیر یا اسم در ابتدای جمله » ] :

- لَنَا مَعْلَمٌ شَهِيرٌ فِي مَدْرَسَتِنَا : معلمی مشهور در مدرسه‌مان داریم.

ب) حرف « لـ » بر سر فعل مضارع :

۱) « حرف لـ » به معنای « تا / تا اینکه / برای اینکه + مضارع التزامی » [ حرف ناصبه « لـ + فعل مضارع منصوب » ] :

- ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَةَ الْجَوَالِ : به بازار رفتم تا اینکه باتری تلفن همراه بخرم.

۲) « حرف لـ » به معنای « باید + مضارع التزامی » [ حرف جازمه « لـ + فعل مضارع مجزوم » ] :

- نَحْنُ لِنَسْتَوَكِّلُ عَلَى اللَّهِ فِي الْحَيَاةِ : ما باید در زندگی بر خدا توکل کنیم.

نکته ۵ □ : در زبان عربی برای بیان اجبار و الزام ( باید ) از راه‌های زیر استفاده می‌کنند :

۱) « حرف جرّ عَلى » در ابتدای جمله ؛ عَلَيْنَا بِالتَّشَكُّرِ : باید تشکر کنیم.

۲) « فعل يَجِبُ » + « عَلى » ؛ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَهِدَ : باید ( واجب است ) که تلاش کنیم.

۳) « حرف لـ امر » ( جازمه ) بر سر فعل مضارع ؛ لِأَجْتَهِدَ فِي أُمُورِي : باید در کارهایم تلاش کنم.

تمرین ۱) : انواع فعل‌های خواسته شده را با ترجمه‌شان بسازید :

- « با حرف لَم » :

۱) لَم + يُشَاهِدُنْ ⇐ ..... / ..... ۲) لَم + تُجَالِسُ ⇐ ..... / ..... ۳) لَم + تُحَاوِلَانِ ⇐ ..... / .....

۴) لَم + تَذَهِّبِنَ ⇐ ..... / ..... ۵) لَم + تَتَنَاوَلُونَ ⇐ ..... / ..... ۶) لَم + تَتَدَبَّرْنَ ⇐ ..... / .....

- « با حرف لا ( نهی ) » :

۱) لا + تَقْرَبَانِ ⇐ ..... / ..... ۲) لا + تُشَاهِدِينَ ⇐ ..... / ..... ۳) لا + تَتَّبِعْ ⇐ ..... / .....

۴) لا + أَقْدِمْ ⇐ ..... / ..... ۵) لا + تُتَزَّجْنَ ⇐ ..... / ..... ۶) لا + يُقْرَبُونَ ⇐ ..... / .....

- « با حرف لـ ( جازمه ) » :

۱) لـ + نُقْرَبُ ⇐ ..... / ..... ۲) لـ + يُحَاوِلْنَ ⇐ ..... / ..... ۳) لـ + يَتَنَاوَلُ ⇐ ..... / .....

۴) لـ + يَتَّبِعْنَ ⇐ ..... / ..... ۵) لـ + يُشَاهِدُونَ ⇐ ..... / ..... ۶) لـ + أَتَدَبَّرُ ⇐ ..... / .....

◆ تمرین ۲: « انواع فعل مضارع [ مرفوع و منصوب و مجزوم ] را در عبارات زیر تعیین کنید »: ↓↓↓↓↓↓

- ۱) « أريدُ أن أذهبَ إلى سوقِ الحَقائبِ ! » :  
۲) « إنَّ اللهَ لا يُعَيِّرُ ما بقومٍ حتَّى يُعَيِّرُوا بأنفسِهِم ! » :  
۳) « أ لَمْ تَعَلِمَ أن اللهَ هو يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ ! » :  
۴) « لَنْ تَنالُوا البرَّ حتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ » :  
۵) نحنُ نتناولُ الرِّمانَ لِتكوِينِ الكِرياتِ الحِمرَاءِ في جِسمنا ! :  
۶) لَيْسَتْ يَقِظُ كُلُّ المُسْلِمِينَ مِن نَوْمِ الغَفْلَةِ حتَّى يأخِذوا حَقَّهُم مِنَ الظَّالِمِينَ ! :  
۷) أَنتُمْ تُسافِرونَ إلى ذلِكَ البَلدِ لِتُفْتَشُوا عَن مَوْضِعِ مُهْمٍ ! :  
۸) ما تَفَعَّلِي مِنَ أَعْمالِ الخَيْرِ تُشاهِدِي ثَمَرَتَهُ في حِياتِكِ ! :  
۹) إن تَرَفَضوا ما يَعرِضُهُ الغُربُ عَلَيبِكُم مِنَ التَّحَلُّلِ و الفِسادِ تَفوزوا في الدُّنْيا و الآخِرةِ ! :  
۱۰) هُوَ لاءِ التَّلَامِيذُ لَمْ يَهْمِلُوا في أداءِ واجِبَاتِهِم لِيفوزوا في جَميعِ الإِمْتِحاناتِ ! :  
۱۱) مَن لَمْ يَجْعَلْ حِياةَ العُلَماءِ وَسِيلةً لِهَدايَتِهِ يَضِلُّ :  
۱۲) الطُّلَّابُ لِيَجْتَهِدُوا في الدُّروسِ و لِيُساعدوا أَصْدِقائَهُم ! :  
۱۳) لِنَسْتَمِعَ إلى كِلامِ مَن يُلقِي مُحاضَرةً حتَّى يَرفعَ شَأننا ! :  
۱۴) مَن لَمْ يَكُنْ لَهُ مِن ضَميرِهِ واعِظٌ، فَلَنْ يَكُونَ مِنَ عِندِ اللهِ حَافِظًا ! :  
۱۵) يَجِبُ أَلَّا نَسْمَحَ لِلاَخَرِينَ أَنْ يَسْبِقونا بِالْعَمَلِ بِالقرآنِ ! :  
۱۶) العالِمُ يَقومُ بِالْعَمَلِ و لَنْ يَسْتَطِيعَ أَحَدٌ أَنْ يَقرَأَ مِن هَذِهِ السَّنَةِ الإِلَهِيَّةِ ! :  
۱۷) لَمْ يَرجِعِ إِخوتنا، فَلَنصَبِرَ حتَّى نُشاهِدَهُم لِأنَّهُم يَنتَظِرُونَ مِنَّا مُساعِدَةً ! :  
۱۸) « قالَتِ الأَعْرابُ آمَنّا، قُلْ لَمْ تَؤْمِنوا و لَكِن قُولُوا أَسْلَمنا » :  
۱۹) لا تَظَلِمُ كَما لا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَمَ و أَحسِنْ كَما تُحِبُّ أَنْ تُحَسَّنَ إِلَيبِكَ ! :  
۲۰) إنَّ الإِمْتِحاناتِ تُساعدُ الطُّلَّابَ لِيتَعلَّموا دَروسَهُم، فَلْيَعلَموا ذلِكَ و عَلَيبِهِم أَنْ لا يَخافوا مِنْها ! :

محل یادداشت نکات



\*\*\*\*\* « لغات و کلمات درس ششم » \*\*\*\*\*

۱۷) صَمَدٌ : بی نیاز	۱) اُردیَّةٌ : اُردو
۱۸) عَدَّ : به شمار آورد ( مضارع : یُعَدُّ )	۲) اَسْلَمَ : اسلام آورد ( مضارع : یُسَلِّمُ / اَمْرٌ : اَسْلِمُ / مصدر : اِسْلَامٌ )
۱۹) فَخْرِيَّةٌ : افتخاری	۳) اَشَارَ : اشاره کرد ( مضارع : یُشِيرُ / اَمْرٌ : اَشِرْ / مصدر : اِشَارَةٌ )
۲۰) فَرَنْسِيَّةٌ : فرانسوی	۴) اَطْعَمَ : خوراک داد ( مضارع : يُطْعِمُ / اَمْرٌ : اَطْعِمْ / مصدر : اِطْعَامٌ )
۲۱) قَارِبٌ : نزدیک شد ( مضارع : يُقَارِبُ / اَمْرٌ : قَارِبْ / مصدر : مُقَارَبَةٌ )	۵) اَلْتَقَى : انداخت ( مضارع : یُلْتَقَى / اَمْرٌ : اَلْتَقِ / مصدر : اِلْتِاقٌ )
۲۲) لِمَ : بر سر فعل مضارع ؛ « باید / برای اینکه »	۶) اَلْتَقَى مُحَاضِرَةً : سخنرانی کرد
۲۳) لا : حرف نفی فعل مضارع / حرف نهی فعل مضارع	۷) اِنْجِلِيزِيَّةٌ : انگلیسی
۲۴) لَمْ : حرف نفی فعل مضارع مجزوم	۸) اُنْقَرَتْ : آنکارا
۲۵) كَفُوْهُ : همتا	۹) اَوْصَى : سفارش کرد ( مضارع : يُوصِي )
۲۶) مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی	۱۰) تَقَاةٌ : فرهنگ ( تَقَاةٌ : فرهنگی )
۲۷) حَصَلَ عَلِيٌّ : به دست آورد ( مضارع : يَحْصُلُ / اَمْرٌ : اَحْصِلْ / مصدر : حُصُولٌ )	۱۱) جوع : گرسنگی
۲۸) مُسْتَشْرِقٌ : خاور شناس	۱۲) مَدَّ : کشیدن ، گستردن
۲۹) مُعْجَبَةٌ بِـ : شیفته‌ی	۱۳) حَضَارَةٌ : تمدن
۳۰) مُقَابَلَةٌ : مصاحبه	۱۴) دُكْتُورَاهُ : دکترا
۳۱) وُلِدَ : زایید ( مضارع : يَلِدُ / اَمْرٌ : لِدْ / مصدر : وِلَادَةٌ )	۱۵) شَهَادَةٌ : مدرک
۳۲) شَكَّلَ : تشکیل داد ( مضارع : يُشَكِّلُ / اَمْرٌ : شَكِّلْ / مصدر : تَشْكِيلٌ )	۱۶) مُنْدٌ : از

\*\*\*\*\* « کلمات مترادف درس ششم » \*\*\*\*\*

۹) شَأْنٌ = مَقَامٌ ( مقام )	۵) طُفُولَةٌ = صِغَرٌ ( کودکی ، خردسالی )	۱) تَعَدُّ = تَحْسَبُ ( به حساب می آورد، به شمار می رود )
۱۰) دِرَاسَاتٌ = اُبْحَاثٌ ( پژوهش ها )	۶) سَنَةٌ = عَامٌ ( سال )	۲) حَصَلَ عَلِيٌّ = اِكْتَسَبَ ( به دست آورد )
۱۱) هَدَفٌ = غَايَةٌ ( هدف، پایان )	۷) لِسَانٌ = لُغَةٌ ( زبان )	۳) فَرَائِضٌ = وَاجِبَاتٌ = تَكَالِيفٌ ( واجبات ، تکالیف )
۱۲) اَلْفَتْ = كَتَبَتْ ( نوشت، نگاشت )	۸) حِينٌ = لَمَّا ( هنگامی که )	۴) قَوْلٌ = كَلَامٌ = تَكَلُّمٌ = حَدِيثٌ ( سخن ، کلام )

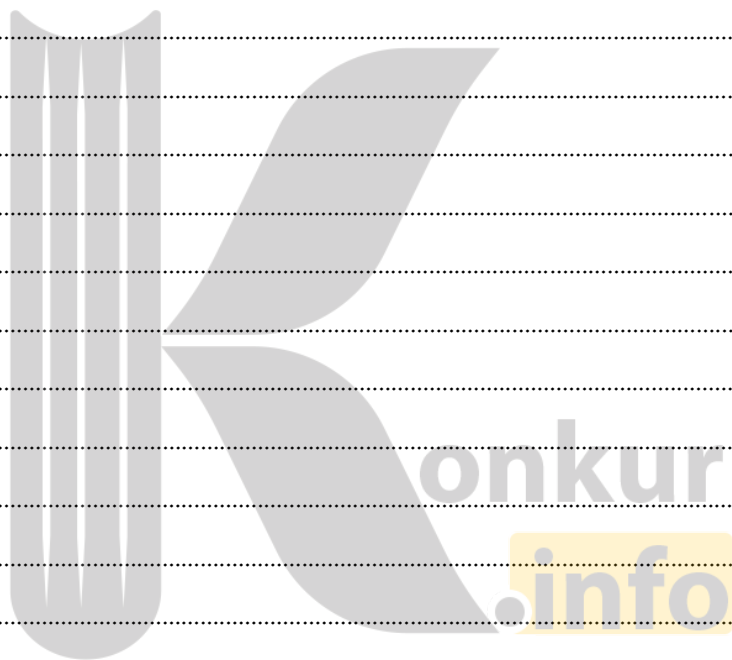
\*\*\*\*\* « کلمات متضاد درس ششم » \*\*\*\*\*

۹) تَحَزَنٌ ( ناراحت می شوی ) # تَفَرَّحٌ ( شاد می شوی )	۱) شَرْقٌ ( مشرق ) # غَرْبٌ ( مغرب )
۱۰) تُحِبُّ ( دوست می داری ) # تَكْرَهُ ( ناپسند می داری )	۲) بَدَأَ ( شروع کرد ) # خَتَمَ ( تمام کرد، به پایان رساند )
۱۱) اَعْطَى ( داد ) # اَخَذَ ( گرفت )	۳) حَصَلَ عَلِيٌّ ( به دست آورد ) # فَقَدَ ( از دست داد )
۱۲) عَدَاوَةٌ ( دشمنی ) # صَدَاقَةٌ ( دوستی )	۴) دَرَسَ ( درس داد ) # دَرَسَ ( درس خواند )
۱۳) عَاقِلٌ ( خردمند ) # جَاهِلٌ ( نادان )	۵) يُقَارِبُ ( نزدیک می شود ) # يَبْتَعِدُ ( دور می شود )
۱۴) لَكَ ( برای تو ) # عَلَيْكَ ( بر ضد تو )	۶) وَقَاتٌ ( مرگ، فوت ) # وِلَادَةٌ ( تولد، به دنیا آمدن )
۱۵) آمَنَّا ( ایمان آوردیم ) # كَفَرْنَا ( کافر شدیم )	۷) مَاتَ ( مُرد ) # وُلِدَ ( متولد شد، به دنیا آمد )
۱۶) شِئَاءٌ ( زمستان ) # صَيْفٌ ( تابستان )	۸) قَصِيْرٌ ( کوتاه ) # طَوِيْلٌ ( طولانی )

\*\*\*\*\* « جمعهای مکسر درس ششم » \*\*\*\*\*

- |   |  |                                      |
|---|--|--------------------------------------|
| ۱۳) شَبَاب ← شَاب ( جوان )                  | ۷) بِلَاد ← بَلَد ( کشور ، شهر )           | ۱) أَحَادِيث ← حَدِيث ( سخن، نو )    |
| ۱۴) فَرَائِض ← فَرِيضَة ( واجب دينی )       | ۸) جُسُور ← جِسْر ( پُل )                  | ۲) أَدْعِيَة ← دُعَاء ( دعا، نيايش ) |
| ۱۵) فَضَائِل ← فَضِيلَة ( برتری )           | ۹) جُمَل ← جُمْلَة ( جمله )                | ۳) أَنْفُس ← نَفْس ( روح، خود )      |
| ۱۶) قَوَاعِد ← قَاعِدَة ( قاعده )           | ۱۰) حَقَائِق ← حَقِيْقَة ( حقيقت، واقعيت ) | ۴) أَعْرَاب ← عَرَب ( عرب )          |
| ۱۷) مَظَاهِر ← مَظْهَر ( نشانه، ظاهر، اثر ) | ۱۱) دُوَل ← دَوْلَة ( دولت، حکومت، کشور )  | ۵) أَصْدِقَاء ← صَدِيق ( دوست )      |
| ۱۸) مِيَادِين ← مِيْدَان ( ميدان، عرصه )    | ۱۲) زُمَلَاء ← زَمِيْل ( همشاگردی، همکار ) | ۶) أَمْر ← امْر ( دستور، کار، امر )  |

محل یادداشت نکات





بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>